

■ کلیدواژه‌های مقالات پزشکی فارسی تا چه حد

با اصطلاحنامه پزشکی فارسی همخوانی دارند؟

زاهد بیگدلی | آیتنا اسلامی | عبدالحمید معرفزاده

چکیده

هدف: میزان همخوانی واژگان کلیدی مقاله‌های چاپ شده در مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸ است.

روش/ رویکرد پژوهش: با روش تحلیل محتوا و با استفاده از سیاهه واری محقق ساخته تعداد ۱۰۰۵ کلیدواژه از ۲۶۹ مقاله در ۵۸ عنوان مجله پزشکی فارسی دارای درجه علمی-پژوهشی ۱ و ۲ از کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) از ۱۳۸۷ تا پایان ۱۳۸۸ بررسی شده است. یافته‌ها: در دو حوزه علوم پایه و بالینی، ۳۸/۵ درصد همخوانی کامل، ۴۱ درصد همخوانی نسبی و ۲۰/۵ درصد فاقد همخوانی است؛ از نظر همخوانی کامل و نبود همخوانی میان کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما از نظر همخوانی نسبی تفاوت معنادار است؛ همخوانی نسبی کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی بیش از همخوانی کامل است. نتیجه‌گیری: وجود ناهماهنگی میان اصطلاحات مورد استفاده نویسندگان، نمایه‌سازان و جستجوگران اطلاعات ناشی از عوامل متعددی است که در مقاله به آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها

کلیدواژه، مقاله فارسی، پزشکی، اصطلاحنامه پزشکی فارسی

کلیدواژه‌های مقالات پزشکی فارسی تا چه حد با اصطلاحنامه پزشکی فارسی همخوانی دارند؟

زاهد بیگدلی^۱ | آئینا اسلامی^۲ | عبدالحمید معرف زاده^۳

دریافت: ۹۱/۰۴/۲۸ پذیرش: ۹۱/۰۴/۲۸

مقدمه

تولید علم نخستین بار در مقالات علمی تجلی می‌یابد و ترویج آن از طریق مجله علمی انجام می‌پذیرد. در هر کشور و جامعه‌ای نشر مجله‌های علمی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه علم و دانش شناخته می‌شود زیرا اطلاعات منتشر شده در مجله‌ها پایه شکل‌گیری بسیاری از پژوهش‌هاست. مجله‌های علمی در به روز نگه داشتن رشته‌های علمی اهمیت دارند و از جمله ابزارهای بازیابی اطلاعات علمی به شمار می‌آیند. کلیدواژه‌های تعیین شده در مقاله‌ها ابزاری مهم در ذخیره و بازیابی اطلاعات هستند. در عصر حاضر از یک سو رشد تصاعدی اطلاعات علمی و گسترش زمینه‌های پژوهشی در علوم مختلف از جمله علوم پزشکی و از سوی دیگر ضرورت صرفه جویی در وقت و هزینه محققان علوم پزشکی با توجه به حساسیت شغلی و مسئولیت خطیر آنها در امر بهداشت و درمان جامعه، دستیابی سریع، جامع و مانع به اطلاعات خاص ضرورت دارد و این امر وجود اصطلاحنامه‌های پزشکی را که از ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات هستند تأیید می‌کند (اسدی اربابی، ۱۳۸۸). یکی از مشکلات مهم بازیابی اطلاعات در نظام‌های اطلاعاتی الکترونیکی، انتخاب کلیدواژه‌ها در ذخیره و بازیابی اطلاعات است. یکدست نبودن کلیدواژه‌ها در این دو مرحله مانع بازیابی دقیق اطلاعات می‌شود. این مشکلات، مدت‌هاست با استفاده از اصطلاحنامه‌ها تا حدی برطرف شده است. اما به سبب ناآشنایی متخصصان حوزه‌های موضوعی با ماهیت، مفهوم، کارکرد و کاربردهای اصطلاحنامه و نیز بی‌توجهی، بی‌علاقگی و وقت نگذاشتن

۱. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانشگاه شهید چمران اهواز

bigdelizahed20@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی

کتابخانه مرکزی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر،

(نویسنده مسئول)

a.eslami@bpu.ac.ir

۳. استادیار بازنشسته گروه علم اطلاعات و

دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

moaref_hamid@yahoo.com

نویسندگان در استفاده از اصطلاحنامه‌ها هنگام نگارش مقاله‌ها، مشکلات ذخیره و بازیابی اطلاعات کماکان باقی است (حسینی‌زاده و رهادوست، ۱۳۸۹).

علی‌رغم اهمیتی که اصطلاحنامه‌ها در نظام‌های پیشرفته ذخیره و بازیابی اطلاعات برعهده دارند و با وجود گذشت بیش از سه دهه از شکل‌گیری و رشد اصطلاحنامه‌ها، پژوهشی در ارزیابی مقاله‌های مجلات علمی-پژوهشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور از نظر میزان همخوانی کامل یا نسبی کلیدواژه‌های موجود در آنها با اصطلاحنامه پزشکی فارسی صورت نگرفته است.

منظور از همخوانی کامل، هماهنگی کلیدواژه‌های مقاله با توصیفگرهای موجود در اصطلاحنامه است که فقط در جمع و مفرد بودن و یا املا، با یکدیگر متفاوت‌اند؛ مانند: کلیدواژه ارتودنسی و توصیفگر ارتودنسی. در همخوانی نسبی، کلیدواژه‌های با حروف نازک در اصطلاحنامه و دارای ارجاع "به‌کار برید" و یا برخی کلیدواژه‌های پذیرفته شده در اصطلاحنامه که تعداد واژه‌هایی بیشتر یا کمتر از کلیدواژه مربوط داشته‌اند و در واقع بخشی از کلیدواژه، مشابه با اصطلاحنامه است؛ مانند: اصطلاح پذیرفته نشده کاتاراکت که در اصطلاحنامه با ارجاع "به‌کار برید"؛ مراجعه‌کننده را به توصیفگر پذیرفته شده "آب مروارید" هدایت می‌کند.

از جمله پژوهش‌های مرتبط در این زمینه، در خارج از ایران فراست^۱ (۱۹۸۹) است که در بررسی همپوشانی میان سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره^۲ و واژه‌های استخراج شده از عنوان در فهرست کتابخانه دانشگاه میشیگان نشان داد، ۷۳ درصد از واژه‌های عنوان با تمام یا حداقل با بخشی از سرعنوان یا تقسیمات فرعی همپوشانی دارند. ۱۱ درصد واژه‌های عنوان دقیقاً با سرعنوان برابر است و بیش از ۵۳ درصد واژه‌های عنوان حداقل با یک واژه از سرعنوان همپوشانی دارند. مادامل^۳ (۱۹۹۸)، با توجه به عملکردهای متفاوت دو روش زبان طبیعی و واژگان کنترل شده در بازیابی اطلاعات، ترکیبی از آنها را برای انجام جستجوها پیشنهاد کرد. نتایج پژوهش مورفی^۴ و همکاران (۲۰۰۳) حاکی از آن است که اغلب نویسندگان با واژگان کنترل شده در حوزه اختلالات عصبی آشنا نبودند.

گراس و تیلور^۵ (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان "ما چه به دست می‌آوریم، چه از دست می‌دهیم؟" با بررسی تأثیر استفاده از واژگان کنترل شده در نتایج جستجوهای کلیدواژه‌ای دریافتند بیش از یک سوم رکوردهای بازیابی شده در سرعنوان‌های موضوعی وجود دارند و در صورت نداشتن سرعنوان‌های موضوعی ممکن است جستجوگر بیش از ۸۰ درصد رکوردها را بازیابی نکنند. تئودوسیو، انجلیس و واکالی^۶ (۲۰۰۶) در بررسی همبستگی کلیدواژه‌های مقاله‌های زیست پزشکی با اصطلاحات سرعنوان‌های موضوعی پزشکی نشان

1. Frost

2. LCSH (Library of Congress Subject Heading)

3. Muddamalle

4. Murphy

5. Gross and Taylor

6. Theodosiou, Angelis & Vakali

دادند، همبستگی میان اصطلاحات سرعنوان‌های موضوعی پزشکی و کلیدواژه‌های انتخابی توسط مؤلفان در حد بالایی است. گیل لیوا و آلونسو-آرویو^۱ (۲۰۰۷) دریافتند بیش از ۴۶ درصد کلیدواژه‌های مورد استفاده نویسندگان در حوزه‌های فیزیکی و مهندسی، کشاورزی، و علوم و فناوری اطلاعات با توصیف-گرهای موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط تطابق دارد. همچنین نتایج تحقیق لیو^۲ (۲۰۰۹) نشان داد که دانش موضوعی از مهارت‌های زبانی در جستجوی موضوع‌های تخصصی مهم‌تر است. نوال، دگان و لو^۳ (۲۰۱۰) در بررسی حدود ۳۰۰ کلیدواژه به این نتیجه رسیدند که بیش از ۶۰ درصد کلیدواژه‌های اختصاص داده شده توسط مؤلفان با اصطلاحات به کار رفته در نمایه مربوط همخوانی دارد.

در ایران نیز جوکار و انواری (۱۳۸۵) به تحلیل ۳۰ عنوان کتاب در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی موجود در "فهرست آثار موجود در بازار"^۴ پرداختند و از نظر استفاده از زبان طبیعی یا کنترل شده برای بازیابی اطلاعات، در پایگاه‌های برخط کتابشناختی، نشان دادند که بازیافت مدارک مرتبط در رویکرد زبان طبیعی بیش از رویکرد موضوعی کنترل شده است و برای کسب نتایج جامع در جستجوهای موضوعی بهتر است ترکیبی از این دو رویکرد مورد استفاده قرار گیرد. فتاحی و ارسطوپور (۱۳۸۶) در بررسی میزان همخوانی سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های به کار رفته در عنوان و فهرست مندرجات ۴۷۲ کتاب فارسی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم کاربردی و علوم محض نشان دادند که از نظر همخوانی کامل میان سرعنوان‌های موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌های فارسی، تفاوت معنی‌دار است؛ از نظر همخوانی نسبی و نبود همخوانی میان سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ از نظر همخوانی کامل و همخوانی نسبی کلیدواژه‌های عنوان با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتاب‌های فارسی، تفاوت معنی‌دار است و از نظر همخوان نبودن کلیدواژه‌های عنوان با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

این مطالعات نشان می‌دهند، بحث واژگانی توسط سرعنوان‌های موضوعی و اصطلاحنامه‌ها برای بازیابی مؤثر اطلاعات مطرح است. بر پایه نتایج برخی پژوهش‌ها، بازیابی‌های مبتنی بر کلیدواژه‌های نویسندگان، نتایج بهتری نسبت به استفاده از سرعنوان‌های موضوعی (واژگان کنترل شده) برای کاربران در بردارد. اگر چه برخی پژوهشگران، ترکیبی از هر دو روش را برای بازیابی اطلاعات مطلوب‌تر می‌دانند. به نظر می‌رسد، از طریق پژوهش‌های بیشتر در تمام حوزه‌های علمی، مسائل و ابعاد موضوع روشن‌تر شود و بتوان برای بهبود فرایند بازیابی اطلاعات ذخیره شده پیشنهاد‌های عملی ارائه کرد.

1. Gil-Leiva & Alonso-Arroyo
2. Liu
3. Neveol, Dogan & Lu
4. Books In Print (BIP)

انجام پژوهش حاضر نیز از سویی به تولیدکنندگان اطلاعات یا نویسندگان مقاله‌ها کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری در باره استفاده از اصطلاحنامه‌ها برای استخراج واژه‌های کلیدی منطقی‌تر عمل کنند و از سوی دیگر به کسانی که در مراحل مختلف فرایند ذخیره و بازیابی اطلاعات دخیل هستند کمک می‌کند که با استفاده از واژگان کلیدی انتخاب شده نویسندگان، جستجوگران اطلاعات را آسان‌تر و دقیق‌تر به مدارک مورد نیاز رهنمون شوند.

پژوهش حاضر در راستای پژوهش‌های پیشین، بر آن است تا به بررسی میزان همخوانی واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸ بپردازد تا اهداف ویژه زیر را دنبال کند:

۱) بررسی وضعیت همخوانی واژگان کلیدی موجود در مقاله‌ها با اصطلاحنامه پزشکی فارسی به منظور آگاهی از قوانین حاکم بر تولید مقاله‌های علمی؛ و ۲) کمک به تسهیل امر ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات پزشکی از طریق همخوانی واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی. با توجه به اهداف فوق سه فرضیه مطرح است:

۱. میان همخوانی کامل واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در دو حوزه علوم پایه و بالینی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۲. میان همخوانی نسبی واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در این دو حوزه تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳. میان نبود همخوانی واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در دو حوزه فوق تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش، تحلیل محتواست و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و برای آزمون فرضیه‌ها به دلیل توزیع غیر نرمال داده‌ها، از آزمون "نخی دو" استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل ۱۰۰۵ کلیدواژه موجود در ۲۶۹ مقاله چاپ شده در ۵۸ عنوان مجله پزشکی فارسی دارای درجه علمی - پژوهشی ۱ و ۲ مورد تأیید کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۸۸ است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی و بر اساس فرمول نمونه‌گیری برای مطالعات مقطعی صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات، سیاهه و ارسای محقق ساخته است که در بردارنده اطلاعاتی از قبیل عنوان مجله، عنوان مقاله و حوزه موضوعی مقاله (علوم پایه یا علوم بالینی)، سال انتشار، تعداد کلیدواژه‌ها که با اصطلاحنامه همخوانی کامل داشته‌اند، تعداد

کلیدواژه‌ها که با اصطلاحنامه همخوانی نسبی داشته‌اند، تعداد کلیدواژه‌ها که با اصطلاحنامه هیچ‌گونه همخوانی نداشته‌اند. روایی سیاهه و ارسی به عنوان ابزار سنجش میزان همخوانی کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی، توسط صاحب‌نظران حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تأیید شده است.

یافته‌ها

جدول ۱ برای تعیین چگونگی فراوانی تعداد کلیدواژه‌های موجود در هر مقاله تدوین شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و در صد مقاله‌ها با تعداد کلیدواژه‌های موجود در هر مقاله

درصد نسبت به تعداد کل مقاله‌ها	تعداد مقاله	تعداد کلیدواژه
۱/۱	۳	۲
۳۷/۶	۱۰۱	۳
۳۷/۶	۱۰۱	۴
۱۳/۷	۳۷	۵
۷/۴	۲۰	۶
۱/۵	۴	۷
.۷	۲	۸
.۴	۱	۱۴
۱۰۰	۲۶۹	جمع

جدول ۱، نشان می‌دهد که از ۲۶۹ مقاله موجود در مجله‌های پزشکی فارسی، مقاله‌های ۳ و ۴ کلیدواژه‌ای با ۳۷/۶ درصد بیشترین و مقاله‌های ۱۴ کلیدواژه‌ای با ۰/۴ درصد کمترین میزان را داشتند. این امر نشانگر یک‌دست نبودن تعداد کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی است که از توزیع پراکنده‌ای برخوردارند.

میزان استفاده نویسندگان حوزه علوم پایه و حوزه بالینی از اصطلاحنامه پزشکی فارسی برای تعیین کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی میزان سطوح مختلف همخوانی کلیدواژه‌ها

حوزه	همخوانی کامل		همخوانی نسبی		نیودهمخوانی		جمع
	تعداد کلیدواژه	درصد	تعداد کلیدواژه	درصد	تعداد کلیدواژه	درصد	
علوم پایه	۲۱۰	۲۰/۹	۲۳۳	۲۲/۲	۹۶	۹/۶	۵۳۹
علوم بالینی	۱۷۷	۱۷/۶	۱۸۱	۱۸/۰	۱۰۸	۱۰/۷	۴۶۶
جمع	۳۸۷	۳۸/۵	۴۱۴	۴۱/۲	۲۰۴	۲۰/۳	۱۰۰۵

بر پایه جدول ۲، از مجموع ۱۰۰۵ کلیدواژه، ۵۳۹ کلیدواژه (۵۳/۶ درصد) مربوط به حوزه علوم پایه و ۴۶۶ کلیدواژه (۴۶/۴ درصد) مربوط به حوزه علوم بالینی است. در واقع متخصصان علوم بالینی کمتر از اصطلاحنامه پزشکی فارسی استفاده کرده‌اند. این امر می‌تواند به سبب عدم همکاری متخصصان در ارسال اصطلاحات تخصصی رایج در حوزه خود به دفتر اصطلاحنامه پزشکی فارسی باشد؛ بر پایه نظر مورفی و همکاران (۲۰۰۳) علت این امر، آشنا نبودن این گروه از نویسندگان با واژگان کنترل شده است و یا طبق نظر لیو (۲۰۰۹) متخصصان پزشکی به دلیل برخورداری از دانش موضوعی، لزومی به تسلط بر جنبه‌های مهارت‌های زبانی یا توجه به آنها در جستجوهای موضوع‌های پزشکی احساس نمی‌کنند.

به‌طور کلی در دو حوزه علوم پایه و بالینی، ۳۸۷ کلیدواژه (۳۸/۵ درصد) با اصطلاحنامه پزشکی فارسی همخوانی کامل، ۴۱۴ کلیدواژه (۴۱/۲ درصد) همخوانی نسبی دارند و ۲۰۴ کلیدواژه (۲۰/۳ درصد) با این اصطلاحنامه همخوانی ندارند. به این ترتیب، یافته‌های پژوهش نشان داده است که در میان مقاله‌های مورد مطالعه درصد همخوانی نسبی کلیدواژه‌های به کار رفته توسط نویسندگان مقاله‌ها با اصطلاحنامه بیشتر از درصد‌های مربوط به همخوانی کامل یا نبود همخوانی است. علت این امر ممکن است به مشکلاتی برگردد که بر سر راه انتشار ویرایش‌های جدید اصطلاحنامه پزشکی فارسی و در نتیجه روزآمد نشدن آن وجود دارد. به علاوه، بیشتر نویسندگان مقاله‌ها که متخصص در حوزه موضوعی خود هستند از اصطلاحات رایج میان خود بیشتر از اصطلاحنامه پزشکی فارسی، برای استخراج کلیدواژه‌ها استفاده می‌کنند. در مقایسه با آثار پیشین، می‌توان به فراست (۱۹۸۹) اشاره کرد که رقم ۱۱ درصد همخوانی کامل و ۷۳ درصد همخوانی نسبی را گزارش نموده است. مورفی و همکارانش

(۲۰۰۳) نیز بزرگترین مسئله در جست و جویها را ناهماهنگی بین اصطلاحات نویسندگان، نمایه‌سازان و جست و جوگران معرفی کرده‌اند و به نظر آنها اغلب نویسندگان، با واژگان مورد استفاده در اصطلاحنامه‌ها یا سرعنوان‌های موضوعی در حوزه‌های موضوعی مختلف آشنایی ندارند. گراس و تیلور (۲۰۰۵) حدود ۳۴ درصد همخوانی کامل بین کلیدواژه‌های تعیین شده توسط نویسندگان مقاله‌ها و واژگان کنترل شده یعنی همان اصطلاحنامه مشاهده نمودند. اما برخی پژوهشگران نتایج بهتری را گزارش کردند؛ برای مثال، تئودوسیو، انجلیس، و واکالی (۲۰۰۶) دریافتند که همبستگی بالایی میان اصطلاحات سرعنوان‌های پزشکی و کلیدواژه‌های انتخابی نویسندگان مقاله‌های پزشکی وجود دارد؛ گیل لیوا و آونسو آرویو (۲۰۰۷) نیز بیان کردند، بیش از ۴۶ درصد کلیدواژه‌های مؤلفان در توصیف‌گرها دیده شده است نوال، دگان، و لیو (۲۰۱۰) نیز گزارش کردند که بیش از ۶۰ درصد کلیدواژه‌های نویسندگان با واژگان مندرج در اصطلاحنامه همخوان است. اگر چه زمینه پژوهش فتاحی و ارسطوپور (۱۳۸۶) تا اندازه‌ای متفاوت از پژوهش حاضر است که این تفاوت احتمالاً ناشی از تفاوت‌های حوزه‌ی موضوعی پزشکی با حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و یا زمینه‌های مختلف مورد مطالعه، یعنی کلیدواژه‌های مقاله‌ها در مقایسه با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌هاست؛ شاید بتوان از وجود تفاوت معنادار برداشت‌هایی نمود و لازم باشد تحقیقات گسترده‌تری صورت گیرد. همچنین مادامل (۱۹۹۸) و جوکار و انواری (۱۳۸۵) نتایجی متفاوت بیان کردند که بازبایی اطلاعات، با ترکیبی از زبان کنترل شده (اصطلاحنامه یا سرعنوان موضوعی) و زبان طبیعی نتایج مطلوب‌تری به دست می‌دهد.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون آماری "خی دو" و سطح خطای آماری ۵ درصد استفاده شد.

فرضیه اول: استفاده از این آزمون نشان داد، میان همخوانی کامل واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در دو حوزه پزشکی پایه و بالینی تفاوت معناداری وجود ندارد ($P < 0.05$, $P = 0.364$) و در نتیجه، فرضیه اول پذیرفته نشد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حوزه‌های موضوعی (پایه و بالینی) تأثیری بر میزان همخوانی کامل کلیدواژه‌ها با اصطلاحنامه پزشکی فارسی نداشته است. به عبارت دیگر، نمی‌توان بیان داشت میزان همخوانی کامل در کدام حوزه موضوعی بیشتر از دیگری است. در این رابطه فتاحی و ارسطوپور (۱۳۸۶) در پژوهش خود به نتیجه‌ای متفاوت رسیده‌اند که از نظر همخوانی کامل سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌های فارسی، تفاوت معناداری میان حوزه‌های موضوعی مختلف (علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم محض، علوم کاربردی) به چشم می‌خورد. دلیل تفاوت میان

حوزه‌ها، می‌تواند به واسطه تفاوت در گروه‌بندی داده‌های گردآوری شده و تخصصی‌تر بودن حوزه‌های مورد بررسی باشد.

فرضیه دوم: استفاده از آزمون "خی دو" و خطای آماری ۵ درصد نشان داد، میان همخوانی نسبی واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در دو حوزه پایه و بالینی تفاوت معناداری وجود دارد ($P > 0.05$, $P = 0.20$). در نتیجه، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. در واقع همخوانی نسبی میان واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی و اصطلاحنامه پزشکی فارسی در حوزه علوم پایه بیش از حوزه علوم بالینی است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حوزه‌های موضوعی (پایه و بالینی) بر میزان همخوانی نسبی کلیدواژه‌ها با اصطلاحنامه پزشکی فارسی تأثیر داشته است. در این رابطه فتاحی و ارسطوپور (۱۳۸۶) در پژوهش خود به نتایج متفاوتی رسیده‌اند که از نظر همخوانی نسبی میان سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌ها، میان حوزه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد. احتمال دارد تفاوت میان پژوهش حاضر و پژوهش مورد اشاره ناشی از نوع مدارک (مقاله و کتاب) باشد یا می‌تواند به واسطه تفاوت در گروه‌بندی داده‌های گردآوری شده و تخصصی‌تر بودن حوزه‌های مورد بررسی باشد.

فرضیه سوم: برای تعیین نبود همخوانی میان واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی با اصطلاحنامه پزشکی فارسی در دو حوزه پزشکی پایه و بالینی، استفاده از آزمون آماری "خی دو" با سطح خطای آماری ۵ درصد نشان داد که میان آنها تفاوت معناداری وجود ندارد ($P < 0.05$, $P = 0.00$) و فرضیه سوم تأیید نشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان بیان داشت تدوین کنندگان اصطلاحنامه پزشکی فارسی در کدام حوزه موفق‌تر عمل کرده‌اند. در این رابطه فتاحی و ارسطوپور (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که از نظر نبود همخوانی میان سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌ها، میان حوزه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد. به این ترتیب، در این دو پژوهش از این نظر همخوانی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

کلیدواژه‌ها، پیشانی مقاله‌های موجود در نشریات هستند و اگر با دقت و یکدستی و بر اساس اصطلاحنامه تهیه شوند به خوبی می‌توانند فرایند ذخیره و بازیابی اطلاعات را بهبود بخشند. بنابراین تعامل میان افراد ذینفع در فرایند تولید، ذخیره و بازیابی اطلاعات و ایجاد هماهنگی و یکدستی تا حد ممکن می‌تواند به بهبود نتایج جستجوها و بهبود عملکرد پایگاه‌های

اطلاعاتی و بهبود عملکرد جستجوگران بیانجامد.

نتایج نشان داد، میان واژگان کلیدی مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی و اصطلاحنامه پزشکی فارسی حدود ۳۸/۵ درصد همخوانی کامل، ۴۱/۲ درصد همخوانی نسبی و ۲۰/۳ درصد نبود همخوانی وجود دارد. همچنین از میان همخوانی‌ها، همخوانی نسبی کلیدواژه‌ها با اصطلاحنامه پزشکی فارسی بیشتر است که نشانگر ناهماهنگی میان اصطلاحات نویسندگان، اصطلاحات موجود در اصطلاحنامه‌ها و جستجوگران اطلاعات است. این امر یا ناشی از عدم آشنایی نویسندگان با واژگان کنترل شده است و یا می‌تواند به سبب همکاری نکردن نویسندگان مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی در ارسال لغات تخصصی، به دفتر اصطلاحنامه پزشکی فارسی باشد. دلیل دیگر شاید روزآمد نشدن اصطلاحنامه پزشکی فارسی از سال ۸۴ تاکنون و نیز پویایی بسیار علم پزشکی باشد. همچنین ممکن است اصطلاحنامه فاقد واژه‌های کلیدی جدید متداول در این حوزه باشد. بدیهی است این وضعیت بازیابی اطلاعات در این حوزه را با مشکل مواجه می‌کند. هم‌اکنون به سبب نقاط ضعف اصطلاحنامه پزشکی فارسی، کتابخانه‌های بزرگ از جمله کتابخانه دانشگاه علوم پزشکی مشهد عملیات معادل‌سازی کلیدواژه‌ها را توسط سرعنوان‌های موضوعی پزشکی انجام می‌دهند. بهتر است دانشگاه‌ها اصطلاحات خود را به دفتر اصطلاحنامه پزشکی فارسی ارسال کنند و نویسندگان مقاله‌های پزشکی فارسی برای بهبود وضعیت بازیابی اطلاعات، اصطلاحنامه پزشکی فارسی را به کار گیرند.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود:

۱. انجمن‌های تخصصی و نهادهای پویا (فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران) در شناسایی و معرفی متخصصان موضوعی واجد شرایط برای همکاری با اصطلاحنامه پزشکی فارسی تلاش کنند؛
۲. دوره‌های تخصصی و آموزشی توسط انجمن‌های تخصصی پزشکی برای روزآمدسازی اطلاعات اصطلاحنامه‌سازان برگزار شود؛
۳. متخصصان حوزه پزشکی برای ارسال اصطلاحات تخصصی و رایج موجود در حوزه خود با دفتر اصطلاحنامه پزشکی فارسی همکاری کنند.
۴. کلیدواژه‌های مقاله‌های مجله‌های پزشکی فارسی از لحاظ قواعد نگارشی و مفرد و جمع بودن یک دست شوند.

مآخذ

اسدی اربابی، عاطفه (۱۳۸۸). رفتار اطلاع‌یابی محققان مراکز تحقیقاتی علوم پزشکی شهر تهران. در

- پورخوشبخت، یوسف؛ پازوکی، فاطمه؛ و آزادی، تانیا (گردآورندگان)، کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی و جامعه پزشکی. مجموعه مقالات دومین همایش کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۲۱-۲۳ آذر، (ص ۱۳-۳۰). تهران: کتابدار.
- جوکار، عبدالرسول؛ انواری، سعیده (۱۳۸۵). بررسی رویکردهای موضوعی (زبان طبیعی و کنترل شده) در بازیابی اطلاعات از پایگاه‌های پیوسته کتاب‌شناختی. کتابداری و اطلاع رسانی، ۹ (۴)، ۱۵۱-۱۶۴.
- حسینی زاده، آنسه؛ رهادوست، فاطمه (۱۳۸۹). مسائل اصطلاحنامه‌سازی در ایران از دیدگاه تهیه کنندگان اصطلاحنامه. در داریوش علیمحمدی، محسن حاجی زین العابدینی (ویراستاران)، سازماندهی اطلاعات: رویکردها و راهکارهای نوین. مجموعه مقاله‌های اولین همایش سالانه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران، ۱۶-۱۷ اسفند، (ص ۱۳۱-۱۴۰). تهران: کتابدار.
- فتاحی، رحمت‌الله؛ ارسطوپور، شعله (۱۳۸۶). بررسی میزان همخوانی سرعنوان‌های موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتاب‌های فارسی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم کاربردی و علوم محض. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۰ (۳)، ۵۷-۸۰.
- Frost, C. (1989). Title word as entry vocabulary LCSH: Correlation between assigned LCSH terms and derived terms from titles in bibliographic records with implications for subject access in online catalogs. *Cataloging & Classification Quarterly*, 10 (1,2), 165-179.
- Gil-Leiva; I; Alonso- Arroyo, A. (2007). "Keywords given by authors of scientific articles in database descriptors". *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 58 (8), 1157-1187. Retrieved Sep. 26, 2011, from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/asi.20595/pdf>
- Gross, T.; Taylor, A.G. (2005). What have we got to lose? The effect of controlled vocabulary on Keyword searching results. *College & Research Libraries*, 66 (3), 212-230. Retrieved Sep. 26, 2011, from <http://crl.acrl.org/content/66/3/212.full.pdf+html>.
- Liu, Y. (2009). The impact of Mesh (Medical Subject Headings) terms on information seeking effectiveness. *ACM SIGIR Forum*. 43 (2). Retrieved Sep. 26, 2011, from <http://dl.acm.org/citation.cfm?id=1670564.1670582&preflayout=flat>.
- Muddamalle, M.R. (1998). Natural language versus controlled vocabulary in information retrieval: a case study in soil mechanics. *Journal of American Society for Information Science*, 49 (10), 881.

- Murphy, L. S. ,et al. (2003). Searching biomedical databases on complementary medicine: The Use of controlled vocabulary among authors, indexers and investigators. *BMC Complementary and Alternative Medicine*, 3 (3), 1-13. Retrieved Sep. 26, 2011, from <http://www.biomedcentral.com/content/pdf/1472-6882-3-3.pdf>.
- Neveol, A., Dogan, R. & Lu, Z. (2010). Author keywords in biomedical journal articles. *AMIA Annual Symposium Proceeding*. National Library of Medicine Bethesda, Nov 13: 537-541. Retrieved Sep. 26, 2011, from http://ukpmc.ac.uk/articles/PMC3041277/pdf/amia-2010_sympproc_0537.pdf
- Theodosiou, T., Angelis, L. & Vakali, A. (2006). Exploring the correlation of biomedical article keywords to mesh terms. *International Special Topic Conference on Information Technology in Biomedicine, Ioannina – Epirus, Greece, Oct 26-28, 1-6*. Retrieved Sep. 26, 2011, from <http://oswinds.csd.auth.gr/papers/2006/itab06.pdf> [Accessed 26 September 2011].

استناد به این مقاله:

بیگدلی، زاهد؛ اسلامی، آیتا؛ و عبدالحمید معرف زاده (۱۳۹۴). کلیدواژه‌های مقالات پزشکی فارسی تا چه حد با اصطلاحنامه پزشکی فارسی همخوانی دارند؟ فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۶، (۱)، ۱۱۳-۱۲۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی